

نظام حقوقی جبران خسارت ناشی از بازداشت متهمان بی گناه؛ پژوهشی در حقوق ایران و حقوق تطبیقی

اسماعیل شایگان* محمد آشوری**

(تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۱۷)

چکیده؛

در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مسئولیت دولت نسبت به خسارات ناشی از بازداشت متهمان بی گناه، اعم از اینکه مبنای مسئولیت تقصیر یا خطای قاضی یا اشخاص دیگر باشد، پذیرفته شده است. قانون یادشده، ضمن شناسایی «حق» زیان دیده در مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت، آیین ویژه‌ای را نیز به منظور اجرای این حق پیش‌بینی کرده است. این اقدام قانون‌گذار را می‌توان گامی در جهت تحقق دادرسی منصفانه و احترام به اصل برائت (اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) تفسیر نمود. نظام حقوقی پیش‌بینی شده در قانون جدید آیین دادرسی کیفری دولت را همچون حائلی میان زیان دیده و قاضی خطاکار قرار داده است. بر این اساس، متهم بی گناه خسارات ناشی از بازداشت موقت را از دولت مطالبه می‌کند و دولت پس از جبران خسارت می‌تواند تحت شرایطی به مسئول اصلی مراجعه نماید.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، مسئولیت مدنی دولت، بازداشت موقت، تقصیر و خطای قاضی،
دعوای رجوعی

* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه پاریس ۲ پانتئون - آسس (نویسنده‌ی مسئول):

es.shayegan@gmail.com

** استاد تمام رشته علوم جنایی بازنشسته دانشگاه تهران

مقدمه: شناسایی مسئولیت نوعی دولت

تا پیش از تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ (از این پس: ق.آ.د.ک) اصلاحی خردادماه ۱۳۹۴ (لازم‌الاجرا از تاریخ اول تیرماه ۱۳۹۴)، علی‌رغم الزامات بین‌المللی (بند ۵ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶) و تأکید حقوقدانان،^۱ هیچ متنی به‌طور صریح امکان مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت را پیش‌بینی نکرده بود و موضوع تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی قاضی بود؛ بدین معنا که زیان‌دیده ناگزیر بود ابتدا به دادگاه انتظامی قضات مراجعه و در صورت احراز تقصیر یا خطای قاضی از سوی مرجع اخیر، خسارت واردشده به خود را از طریق طرح دعوا در دادگاه عمومی تهران از دولت یا قاضی حسب مورد مطالبه نماید.^۲ این آیین دادرسی پیچیده و طولانی در کنار سختگیری دادگاه عالی انتظامی قضات، ذینفع را از طی این مسیر منصرف می‌نمود. افزون بر این، عدم پیش‌بینی دقیق آیین دادرسی اقامه دعوا علیه دولت در فرض خطای قاضی و عدم اختصاص بودجه خاص به‌منظور تأمین خسارت در این مورد را نیز باید به مشکلات پیشین اضافه نمود.

قانون جدید آیین دادرسی کیفری، ضمن شناسایی «حق» زیان‌دیده در مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت، آیین ویژه‌ای را نیز به‌منظور اجرای این حق پیش‌بینی کرده است. این اقدام قانون‌گذار را باید ستایش نمود و آن را گامی در جهت تحقق دادرسی منصفانه و احترام به اصل برائت (اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) دانست. در حقیقت، تحمیل خسارت به

۱. برای دیدن نظر برخی از حقوقدانان نگاه کنید به: محمد آشوری، لزوم جبران خسارت زندانیان بی‌گناه، در: عدالت کیفری، مجموعه مقالات، چاپ اول، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶، ص ۳۱ به بعد؛ حسنعلی مؤذن زادگان، نقد و بررسی قرار بازداشت موقت در قانون دادرسی ۱۳۷۸، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ۱۳۸۰، شماره ۴، ص ۱۱۵ به بعد به‌ویژه ص ۱۴۸ به بعد.

۲. اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات. برای مطالعه بیشتر درباره نظام عمومی مسئولیت مدنی قضات نگاه کنید به: شادروان استاد ناصر کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد (جلد اول) «قواعد عمومی»، چاپ سیزدهم، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۳، ص ۳۸۶ به بعد، ش ۱۹۰ به بعد؛ محمد صالحی مازندرانی، نگرشی بر مسئولیت مدنی تصمیم‌گیرندگان قضایی، مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷۲، تابستان ۱۳۸۵، ص ۲۴۱ به بعد.

متهمی که برائت وی احراز شده است نه تنها با انصاف، منطق حقوقی و اصل برائت مغایرت دارد، بلکه اصل تساوی عموم در برابر قوانین و اصل تساوی همگان در برابر دادگستری را نیز نقض می‌نماید. به همین جهات و نیز با توجه به دشواری اثبات تقصیر در این مورد، دولت بدون در نظر گرفتن رفتار قاضی در برابر زیان‌دیده به‌طور نوعی مسئول است و زیان‌دیده نیز از اثبات تقصیر قاضی معاف می‌باشد. از این نظر، شاید بتوان مهم‌ترین اثر مقررات قانون آیین دادرسی کیفری را در این زمینه، شناسایی مسئولیت نوعی دولت نسبت به بخشی از عملکرد دادگستری - به‌عنوان یک عمل حاکمیتی - دانست.^۱ مقررات قانون جدید آیین دادرسی کیفری نه تنها مسئولیت ناشی از اشتباه یا خطای قضات را، در فرض بازداشت موقت منتهی به بی‌گناهی، بر عهده دولت گذارده و از این جهت استثنایی بر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی است (صفایی، ۱۳۹۳: ۳۳۷-۳۳۸)، بلکه برای نخستین بار نتایج زیان‌بار ناشی از تقصیر دادرسان را نیز موجب مسئولیت دولت دانسته است.^۲ همین اثر خاص این تأسیس حقوقی است که موجب شده تا قانون‌گذار آیین دادرسی و مراجع ویژه‌ای را به‌منظور رسیدگی به این دعوا پیش‌بینی نماید.

مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که در کشورهایمانند فرانسه، بلژیک، ایتالیا، اسپانیا، سوئیس، الجزایر و هلند،^۳ دولت بر پایه نظریه مسئولیت بدون تقصیر، پاسخگوی نتایج ناشی از خطا یا

۱. برای مطالعه درباره مسئولیت دولت نسبت به اعمال قوه مجریه، قضاییه و مقننه نگاه کنید به: علیرضا یزدانیان، گام‌هایی در طرح مسئولیت مدنی دولت ناشی از فعل شخصی، فعل اشیا و فعل غیر در حقوق ایران و فرانسه، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۵، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، ص ۵۰۵ به بعد.

۲. پذیرش مسئولیت دولت نسبت به تقصیر دادرس در صدور قرار بازداشت موقت نباید به معنای مغایرت قانون عادی با قانون اساسی (اصل ۱۷۱) پنداشته شود؛ زیرا از یک‌سو، قانون اساسی در مقام بیان اصول و قواعد کلی بوده و جزئیات رسیدگی به مسئولیت دادرسان طبق اصول با وضع قانون عادی تعیین می‌شود. از دیگر سو، مقررات قانون آیین دادرسی کیفری، چنانکه در صفحات بعدی به آن اشاره خواهد شد، مسئولیت دادرس نسبت به تقصیر ارتكابی را از نظام حقوقی ایران حذف ننموده است، بلکه قاضی مقصر، مطابق اصل ۱۷۱ قانون اساسی در برابر دولت مسئول می‌باشد.

۳. درباره مسئولیت مدنی قضات در حقوق کشور هلند نگاه کنید به:

V.V.R. van. Bogaert, La Responsabilité Civile, Pénale et Disciplinaire des Magistrats (Le Rapport Néerlandais), Electronic Journal of Comparative Law, vol. 11.1 (May 2007).

تفصیر قضات در صدور قرار بازداشت موقت است. قانون‌گذار کشورمان نیز با پذیرش این نظریه در وضع مواد ۲۵۵-۲۶۱ ق.آ.د.ک، چنانچه خواهیم دید، به حقوق فرانسه^۱ و قانون آیین دادرسی کیفری این کشور (از این پس: ق.آ.د.ک.ف) نظر داشته است. با تصویب آیین‌نامه «شیوه رسیدگی و اجرای آرای کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت» (از این پس: آیین‌نامه) در تاریخ اول دی‌ماه ۱۳۹۵، زمینه اجرای مقررات قانون آیین دادرسی کیفری در جبران خسارت اشخاص بی‌گناه بازداشت‌شده فراهم شده است. در این راستا، قانون‌گذار شرایط، آیین دادرسی و مراجع ویژه‌ای را پیش‌بینی نموده که در خور مطالعه و بررسی است. بدین منظور مناسب است در ابتدا شرایط مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت (عنوان نخست) و سپس چگونگی

۱. در حقوق فرانسه، خسارت ناشی از بازداشت موقت شخص بی‌گناه برای نخستین بار در سال ۱۹۷۰ و به موجب قانون شماره ۶۴۳-۷۰ مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ پذیرفته شد. قانون یادشده به دنبال انتقاد حقوقدانان از جمله به دلیل فقدان تکلیف مرجع رسیدگی‌کننده در صدور آراء مستدل نسبت به دعوای جبران خسارت ناشی از بازداشت، عدم شمول قانون نسبت به همه خسارات، ضرورت رسیدگی به صورت غیر علنی و... با تصویب قوانین مورخ ۳۰ دسامبر ۱۹۹۶ و سپس ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰ اصلاح گردید. اصلاحات یادشده تحت تأثیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (بند ۵ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر ضرورت جبران خسارت شخص بازداشت یا دستگیر شده تأکید نموده است) و رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر و به منظور نزدیک شدن به دادرسی منصفانه نیز انجام شده است. در حال حاضر، شش ماده از قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه (از ماده ۱۴۹ به بعد) به نظام حقوقی جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت اختصاص یافته است. برای مطالعه در این زمینه نگاه کنید به:

A. Giudicelli, «L'indemnisation des personnes injustement détenues ou condamnées», *Revue de science criminelle (RSC)*, 1998, p. 11 et s.; D. Noëlle Commaret, «L'indemnisation de la détention provisoire», *Revue de science criminelle (RSC)*, 2001, p. 117 ; B. Bouloc, *Procédure pénale*, 25e édition, 2016, Dalloz, p. 757 et s.

لازم به یادآوری است که در حقوق فرانسه، نه تنها بازداشت موقت شخص بی‌گناه، بلکه زیان واردشده به صغار در تمام مراحل رسیدگی به امر قیومت و نیز خسارت واردشده به محکوم‌علیه سابق که بی‌گناهی وی به دنبال رسیدگی کیفری مجدد احراز می‌شود، بر پایه نظریه مسئولیت بدون تقصیر، مسئولیت مدنی دولت را به همراه دارد. برای مطالعه درباره نظام حقوق مسئولیت مدنی قضات در فرانسه نگاه کنید به:

S. Petit, «Service public de la justice», *Répertoire de la responsabilité de puissance publique*, Dalloz, avril 2015, n° 60 et s.; E. Shayegan, *La responsabilité des magistrats professionnels de l'ordre judiciaire, le mémoire de master II*, sous la direction de professeur Georges Wiederkehr, Université de Strasbourg, 2012-2013, p. 14 et s.

اقامه دعوی مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت (عنوان دوم) مورد مطالعه قرار گیرد. در مقاله حاضر ضمن مطالعه نظام حقوقی جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت شخص بی‌گناه در حقوق ایران، به حقوق کشورهای دیگر به‌ویژه حقوق فرانسه و مقررات قانون آیین دادرسی کیفری و رویه قضایی این کشور نیز توجه خواهیم نمود.

۱. شرایط مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت

برای این که شخص بی‌گناه بازداشت شده بتواند جبران خسارت وارد شده را درخواست نماید و دعوی او به نتیجه برسد، از یک طرف، وجود برخی شرایط و از طرف دیگر، فقدان برخی شرایط دیگر در دعوا ضروری است؛ بنابراین، شرایط ایجابی و سلبی را که لازمه صدور رأی به جبران خسارت ناشی از بازداشت می‌باشد، به ترتیب مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۱-۱. شرایط ایجابی

مطابق ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک «اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می‌توانند [...] خسارت ایام بازداشت را [...] مطالبه نمایند». مفاد این ماده که یکی از نوآوری‌های قانون جدید آیین دادرسی کیفری می‌باشد، شرایط ایجابی مطالبه خسارت ناشی از بازداشت را بر شمرده است. در ادامه، شرایط ایجابی پیش‌گفته مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱-۱. ضرورت بازداشت شخص

نخستین شرط برای مطالبه خسارت موضوع ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک این است که ذینفع با صدور قرار، بازداشت شده باشد. به موجب ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک قاضی می‌تواند، در صورت وجود شرایط مذکور در ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک، به‌منظور دسترسی به متهم، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق زیان‌دیده‌ی پرونده کیفری و جبران ضرر و زیان وی، قرار بازداشت موقت متهم

را صادر کند.^۱ همچنین در مواردی که بازپرس مبادرت به صدور قرار کفالت یا وثیقه می‌نماید و قرار صادرشده به دلیل عدم معرفی کفیل یا عدم ارائه وثیقه از سوی متهم، منتهی به بازداشت وی می‌گردد (ماده ۲۲۶ ق.آ.د.ک)، مفاد ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک قابل اعمال می‌باشد. این معنی به صراحت از عبارت «به هر علت» مذکور در ماده پیش‌گفته استنباط می‌گردد. افزون بر این، با توجه به عبارت «در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی» مذکور در ماده ۲۵۵، نه تنها قرارهای تأمین کیفری صادرشده از سوی دادرسی بلکه قرارهای تأمین کیفری منتهی به بازداشت موقت که دادگاه‌های کیفری صادر می‌نمایند نیز مشمول مواد ۲۵۵ به بعد قانون آیین دادرسی کیفری قرار می‌گیرد.

از طرف دیگر، تنها اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت «بازداشت» می‌شوند، می‌توانند جبران خسارت زمان بازداشت را مطالبه نمایند؛^۲ بنابراین قرارهای نظارت قضایی (ماده ۲۴۷ به بعد ق.آ.د.ک) یا قرارهای تأمین کیفری محدودکننده آزادی که در

۱. برای مطالعه درباره نظام حقوقی حاکم بر بازداشت موقت در قانون جدید آیین دادرسی کیفری نگاه کنید به: علی خالقی، آیین دادرسی کیفری، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، جلد اول، چاپ سی‌ام، فروردین ۱۳۹۵، ص ۲۴۸ به بعد؛ محمدرضا یزدانیا، نوآوری‌های قانون جدید آیین دادرسی کیفری در مورد قرار بازداشت موقت: رویکرد تطبیقی، کارآگاه، سال هشتم، تابستان ۹۴، شماره ۳۱، ص ۷ به بعد؛ حاتم صادقی زبازی، مهران ابراهیمی منش، حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران؛ با نگاهی به نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳؛ و درباره بازداشت موقت در نظام حقوقی ایران پیش از قانون جدید آیین دادرسی کیفری: حسنعلی مؤذن زادگان، نقد و بررسی قرار بازداشت موقت در قانون دادرسی ۱۳۷۸، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ۱۳۸۰، شماره ۴، ص ۱۱۵ به بعد.

۲. برخی از حقوقدانان، حکم مذکور در ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک را به سلب آزادی ناشی از تحت نظر قرار دادن متهم توسط ضابطان دادگستری نیز مجری دانسته‌اند: علی خالقی، آیین دادرسی کیفری، منبع پیشین، ص ۲۶۳. این نظر را باید، به‌ویژه با توجه به عبارت «به هر علت» مذکور در ماده ۲۵۵ قانون جدید آیین دادرسی کیفری تأیید نمود.

جریان تحقیقات و دادرسی صادر می‌شوند و دعوی کیفری متعاقباً به براءت متهم منتهی می‌شود، از شمول آن خارج است.^۱ و^۲

قانون جدید آیین دادرسی کیفری ایران در خصوص امکان جبران خسارت متهم بی‌گناهی که به موجب بند «چ» ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک «به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده [...] از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات» ملتزم شده، اشاره‌ای ننموده است. رویه قضایی می‌تواند با تفسیر موسع ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک و روح حاکم بر قانون جدید آیین دادرسی کیفری، قرار التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده را، از نظر سلب آزادی متهم، «در حکم» بازداشت تلقی و آن را مشمول احکام و شرایط مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت نماید. در حقوق فرانسه به موجب ماده ۱۰-۱۴۲ ق.آ.د.ک.ف.^۳، احکام و شرایط

۱. بدیهی است در این موارد، متهم تبرئه شده می‌تواند خسارت وارد شده به خود را در چارچوب نظام عمومی مسئولیت مدنی دادرسی مطابق اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب سال ۱۳۹۰ مطالبه نماید. در حقوق سوئیس، صرف صدور رأی براءت یا قرار منع تعقیب برای مطالبه کلیه خسارات وارد شده به متهم کافی است و نوع قرار تأمین و نظارت قضایی صادر شده در جریان تحقیقات و دادرسی در این زمینه تفاوتی ندارد. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

C. Perrier, J. Vuille, Procédure pénale suisse, 2e édition, Helbing Lichtenhahn, Bâle, 2011, pp. 256-257.

۲. با این حال، در فرضی که قرار نظارت قضایی به دلیل تخلف متهم، لغو و قرار تأمین تشدید شود و یا قرار نظارت قضایی به قرار تأمین کیفری تبدیل شود (ماده ۲۵۴ ق.آ.د.ک) و قرار تأمین کیفری جدید منتهی به بازداشت متهم گردد، صدور قرار منع تعقیب یا رأی براءت در فرایند دادرسی، مانع مطالبه خسارت بر اساس قانون جدید آیین دادرسی کیفری نیست.

۳. Article 142-10 : « En cas de décision de non-lieu, relaxe ou acquittement devenue définitive, la personne placée sous assignation à résidence avec surveillance électronique a droit à la réparation du préjudice subi selon les modalités prévues par les articles 149 à 150 ».

ماده ۱۰-۱۴۲: «متهمی که از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی ملتزم به عدم خروج از محل اقامت شده است، می‌تواند، پس از صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب توسط بازپرس یا صدور رأی براءت از سوی دادگاه جنایی یا جنحه و قطعی شدن رأی، جبران خسارت وارد شده را مطابق شرایط پیش‌بینی شده در مواد ۱۴۹-۱۵۰ [راجع به مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت شخص بی‌گناه] مطالبه نماید». مفاد این ماده در ماده ۲۲-۳۲ آیین‌نامه اجرایی قانون مزبور نیز تأیید شده است.

مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت نسبت به قرار تأمین ناظر به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده نیز مجری می‌باشد.

۱-۲-۱. صدور قرار منع تعقیب یا رأی براءت نسبت به شخص بازداشت شده

شخص بازداشت شده در صورتی می‌تواند خسارات ناشی از بازداشت را مطالبه نماید که دادرسی که او در جریان آن بازداشت شده است، منتهی به صدور قرار منع تعقیب از سوی دادسرا یا حکم براءت از سوی دادگاه گردد (ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک). افزون بر این، درخواست مطالبه خسارت در صورتی پذیرفته می‌شود که قرار منع تعقیب یا حکم براءت صادر شده قطعی شده باشد (ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک). بر همین اساس، اگر آیین رسیدگی به اتهام شخصی که به مدت طولانی در بازداشت بوده است، منتهی به حکم محکومیت گردد، بازداشت مزبور، هرچند به مدت طولانی، نمی‌تواند مبنای مطالبه خسارت به استناد ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک قرار گیرد.

پرسشی که می‌توان طرح نمود این است که در صورت بازداشت شخص در جریان تحقیقات و سپس، صدور قرار موقوفی تعقیب به استناد ماده ۱۳ ق.آ.د.ک، شخص بازداشت شده می‌تواند خسارت زمان بازداشت را درخواست کند؟

ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک، به صدور «حکم براءت یا قرار منع تعقیب» به عنوان شرط مطالبه خسارت اشاره نموده و از قرار موقوفی تعقیب نامی برده نشده است. خسارت شخص بازداشت شده در این مورد غیر قابل جبران اعلام و دلیل آن «عدم اظهار نظر ماهوی در مورد ارتکاب یا عدم ارتکاب عمل مجرمانه توسط متهم» دانسته شده است (خالقی، ۱۳۹۵: ۲۶۴). با این همه، پذیرش این نظر به صورت مطلق به‌ویژه با توجه به پیشینه موضوع در حقوق فرانسه، دشوار به نظر می‌رسد.^۱ در

۱. مبنای نگارش ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک، ماده ۱۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه بوده است. در ماده اخیرالذکر، به جبران خسارت شخص بازداشت شده پس از صدور قرار منع تعقیب دادسرا (Décision de non-lieu)، رأی براءت دادگاه جنایی (Décision d'acquittement) یا رأی براءت سایر مراجع کیفری (Décision de relaxe) اشاره شده است. تفکیک قرارهای کیفری به منع و موقوفی تعقیب در حقوق ایران، در آیین دادرسی کیفری فرانسه وجود ندارد و برای هر دو مورد از

حقیقت، بازداشت شخص به هر دلیل و سپس عدم صدور حکم محکومیت وی، حق جبران خسارت را، جز در موارد استثنایی و احصاء شده، برای شخص بازداشت‌شده به دنبال دارد. بر این اساس، می‌توان قرار منع تعقیب یا رأی برائت مذکور در ماده ۲۵۵ پیش‌گفته را وارد مورد اغلب تلقی و با بررسی موارد صدور قرار موقوفی تعقیب، مطالبه خسارت را، در صورت مطابقت با هدف و فلسفه جبران خسارات ناشی از بازداشت موقت، برای زیان‌دیده ممکن دانست. بر این پایه، چنانچه، برای نمونه، شخصی به اتهام ارتکاب جرم با صدور قرار تأمین کیفری بازداشت شود و سپس، بازپرس پرونده، از شمول مرور زمان یا نسخ قانون نسبت به جرم ارتكابی پیش از بازداشت شخص، آگاه گردد، عدم جبران خسارت زمان بازداشت با اصل انصاف منطبق به نظر نمی‌رسد. همچنین، در صورت تداوم بازداشت شخص علیرغم شمول مرور زمان، خسارت فرد بازداشت‌شده باید جبران گردد. در مقابل، شمول مرور زمان دعوی عمومی پس از آزادی شخص بازداشت‌شده، نمی‌تواند مبنای مطالبه خسارت قرار گیرد.

۳-۱-۱. ورود خسارت

دعوی مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت منتهی به بی‌گناهی، دعوی مسئولیت مدنی است؛ بنابراین اثبات تمامی ارکان دعوی مزبور، به استثنای تقصیر، ضروری است. مراجع رسیدگی‌کننده - کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت - نمی‌توانند در خصوص تقصیر یا خطای قاضی یا شخص ثالث در صدور قرار تأمین کیفری منتهی به بازداشت و در نتیجه راجع به

اصطلاح (Décision de non-lieu) استفاده می‌شود. برای نمونه درحالی‌که در حقوق ایران، فوت متهم در جریان دادرسی از موجبات صدور قرار موقوفی تعقیب است (بند الف ماده ۱۳ ق.آ.د.ک)، در حقوق فرانسه از موارد صدور قرار منع تعقیب می‌باشد (ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه). ماده ۱۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه با اعلام اصل جبران همه خسارات ناشی از بازداشت موقت منتهی به قرار منع (و موقوفی) تعقیب یا رأی برائت، استثناهای وارد بر اصل، از جمله اعلام عفو بعد از بازداشت شدن شخص و یا شمول مرور زمان دعوی عمومی پس از آزادی شخص بازداشت‌شده را احصاء نموده است. به نظر می‌رسد در انشای ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک کشورمان به نکات پیش‌گفته توجهی نشده است.

ذی حق بودن یا نبودن خواهان دعوا به دلیل پیش گفته اظهار نظر نمایند؛^۱ زیرا با صدور رأی براثت یا قرار منع یا موقوفی تعقیب قطعی و احراز شرایط سلبی که در سطور بعدی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، شخص بی‌گناه بازداشت شده از حق مطالبه خسارت بهره‌مند می‌شود. پس کافی است تا ذینفع، ورود زیان و رابطه سببیت بین خسارت وارد شده و بازداشت موقت را اثبات نماید. خسارات قابل جبران و نیز چگونگی اثبات و احراز رابطه سببیت با توجه به ماده ۱۴ ق.آ.د.ک و اوضاع و احوال هر دعوا، مشمول قواعد کلی است که در کتاب‌های مسئولیت مدنی گفته شده است^۲ و تکرار آن‌ها در اینجا ضرورت ندارد. با این‌همه، ویژگی‌های خاص دعوای مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت ایجاب می‌کند تا به برخی از جنبه‌های ارکان مسئولیت مدنی در دعوای مزبور اشاره شود.

الف) ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک خسارات قابل جبران را به ماده ۱۴ ق.آ.د.ک احاله داده است؛ بنابراین شخص بازداشت شده می‌تواند «جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول» را که به موجب بازداشت موقت به وی وارد شده است، مطالبه نماید. نظام مسئولیت مدنی پیش‌بینی شده در این مورد، جبران همه خسارات وارد شده می‌باشد،^۳ مشروط به اینکه خسارت مزبور و رابطه سببیت بین بازداشت موقت و زیان وارد شده اثبات شود. مرجع رسیدگی، «میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد.»^۴

۱. اثبات تقصیر یا خطای قاضی در رابطه بین دولت و قاضی در چارچوب دعوای رجوعی مؤثر است.
۲. برای مطالعه درباره ارکان مسئولیت مدنی از جمله نگاه کنید به: ناصر کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد (جلد اول) «قواعد عمومی»، منبع پیشین، ص ۲۳۹ به بعد؛ سیدحسین صفایی، حبیب‌الله رحیمی، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، منبع پیشین ۱۳۹۳، ش ۵۹ به بعد.
۳. برای مطالعه درباره قاعده قابلیت جبران کلیه خسارات و نقد آن، نگاه کنید به: ایرج بابایی، نقد اصل قابلیت جبران کلیه خسارات در حقوق مسئولیت مدنی ایران، پژوهش حقوق و سیاست، پاییز و زمستان ۱۳۸۴ - شماره ۱۵ و ۱۶، ص ۴۵ به بعد.
۴. ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی. به منظور مطالعه درباره شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی نگاه کنید به: سید حسین صفایی، حانیه ذاکری‌نیا، بررسی تطبیقی شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی غیر قراردادی، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴. صفحه ۲۶۵ به بعد.

در فرانسه، مطابق قانون مورخ ۱۷ ژوئیه سال ۱۹۷۰، صرفاً جبران «خسارات شدید و غیر قابل اغماض»^۱ پیش‌بینی شده بود، اما اصلاحات بعدی که در ماده ۱۴۹ کنونی قانون آیین دادرسی کیفری این کشور منعکس شده است، شرط مزبور را حذف و تمام خسارات مادی و معنوی^۲ قابل جبران اعلام شده است. در حقوق سوئیس نیز اصل جبران همه خسارات پیش‌بینی شده است. بر اساس پاراگراف اول ماده ۴۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری سوئیس، با صدور رأی براءت یا منع تعقیب، کلیه هزینه‌های تحمیلی به متهم در جریان تحقیقات و دادرسی و نیز خسارات مادی و معنوی قابل مطالبه می‌باشد (Piquerez, 2011: 727).

ب) در موردی که شخص بازداشت‌شده متحمل هزینه شده یا از درآمد مسلم خود در ایام بازداشت محروم شده باشد، این خسارت، در صورت احراز، قابل مطالبه است. اگر پست سازمانی شخص در زمان بازداشت به حالت تعلیق درآمد شده باشد و پس از آزادی مجدداً در همان پست به فعالیت خود ادامه دهد، درآمد وی در زمان تعلیق قابل مطالبه است.

کمیسیون ملی جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت در فرانسه، هزینه‌های حمل و انتقال اثاثیه در موردی که شخص (مستأجر) به دلیل بازداشت ناگزیر به تحویل عین مستأجره و نقل مکان گردیده را به‌عنوان خسارت ناشی از بازداشت موقت قابل جبران دانسته است.^۳ بر اساس رویه کمیسیون ملی جبران خسارت در فرانسه، شخص بازداشت‌شده می‌تواند خسارت ناشی از دست دادن شانس را در فرض جدی بودن آن، مطالبه نماید. در این صورت، میزان خسارت بر اساس شانس از دست‌رفته محاسبه می‌شود و نه منفعتی که در صورت از دست رفتن شانس و تحقق آن، به دست می‌آمد.^۴ این کمیسیون در یکی از آراء خود، محروم شدن شخص از شرکت در آزمون یا دوره علمی را به دلیل بازداشت موقت، از دست دادن شانس دانسته و خسارت ناشی

1. Préjudice manifestement anormal et d'une particulière gravité.

2. Réparation intégrale du préjudice moral et matériel.

3. Commission nationale de réparation des détentions (CNRD), 14 décembre 2005, n° 05-CNRD, 044.

4. Commission nationale de réparation des détentions (CNRD), 21 oct. 2005, no 04-CRD.001 Bull. crim. [CNRD] n° 10.

از آن را قابل مطالبه اعلام نموده است.^۱ افزون بر این، در حقوق فرانسه، اگر بازداشت موجب شود که شخص شغل خود را به واسطه غیبت از دست بدهد، درآمد مدت بازداشت و نیز درآمد متناسبی تا زمان یافتن شغل به وی تعلق می‌گیرد.^۲

پ) خسارت معنوی^۳ ناشی از شوکی است که محرومیت از آزادی به شخص بازداشت شده وارد می‌نماید. وضعیت خانوادگی، روحی و جسمانی شخص متهم می‌تواند به عنوان معیار در ارزیابی خسارت معنوی مورد توجه قرار گیرد. افزون بر این، مواردی همچون جدایی پدر یا مادر از تنها فرزند خود به دلیل بازداشت موقت یا در فرضی که شخص بازداشت شده تنها سرپرست طفل بوده است، همچنین تولد فرزند در مدت بازداشت، جدایی پدر از فرزندی که تازه متولد شده است،^۴ دوری از خانواده به ویژه همسر و فرزندان به خصوص فرزندان نابالغ و خردسال، توجه به ویژگی‌های ناظر به شخصیت متهم، نحوه زندگی وی، سن و ... می‌تواند در ارزیابی خسارت معنوی تأثیرگذار باشد.

ت) چگونگی و محل بازداشت، مدت بازداشت و بازجویی، فشار روانی وارده به شخص به دلیل تمدید بازداشت موقت، آثار روانی ناشی از بازداشت موقت، اینکه شخص بازداشت شده برای نخستین بار بازداشت شده است، شیوه رفتار وی در ایام بازجویی و تحقیقات، آثار ناشی از

1. Commission nationale de réparation des détentions (CNRD), 2 mai 2006, n° 05-CNRD, 071.

برای مطالعه درباره جبران خسارت شانس از دست رفته در رویه دیوان عالی کشور فرانسه و تحولات تاریخی آن، نگاه کنید به: اسماعیل شایگان، از دست دادن شانس در رویه دیوان عالی کشور فرانسه، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، سال شصت و هفتم، شماره پیاپی ۲۳۵، زمستان ۱۳۹۵، ص ۶۳ به بعد؛ و در حقوق ایران: ناصر کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد (جلد اول) «قواعد عمومی»، منبع پیشین، ص ۲۸۱ به بعد.

2. Commission nationale de réparation des détentions (CNRD), 21 oct. 2005, n° 05-CNRD, 005.

۳. برای مطالعه درباره مفهوم خسارت معنوی نگاه کنید به: فرهاد پروین، خسارت معنوی در حقوق ایران، انتشارات ققنوس، چاپ اول، ۱۳۸۰.

4. Commission nationale de réparation des détentions (CNRD), 17 déc. 2004, n° 04-CNRD, 014.

بازداشت پس از آزادی و ... نیز به‌عنوان شرایط بازداشت در میزان خسارت قابل مطالبه مؤثر است.

ث) خسارت ناشی از بازداشت را می‌توان بر اساس هر روز بازداشت محاسبه نمود. هرچند قانون‌گذار معیار یا مبلغی را به‌عنوان خسارت تعیین ننموده است، باین‌همه، مبلغ مذکور در تبصره ذیل ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک (سیصد هزار ریال) را می‌توان به‌عنوان حداقل خسارت برای هر روز بازداشت در نظر گرفت. در فرانسه در سال ۲۰۰۴ خسارت هر روز بازداشت موقت برحسب شرایط از ده یورو تا ۴۵۴ یورو در نوسان بوده است (Pradel, 2015: 731).

ج) در پاره‌ای از کشورها، خسارت ناشی از بازداشت موقت نسبت به مدتی از زمان بازداشت قابل مطالبه نیست. این مدت در بلژیک تا هشت روز (Didier, 2003: 55-57) و در آلمان تا شش ماه می‌باشد.^۱ در حقوق آلمان، در صورت تداوم بازداشت بیش از شش ماه و سپس صدور حکم برائت، خسارت مقطوعی، به ازای هر روز بازداشت، به زیان‌دیده پرداخت می‌شود. در حقوق ایران به دلیل فقدان محدودیت قانونی، خسارت ناشی از بازداشت حتی در صورتی که زمان سپری‌شده در بازداشت یک روز و یا کمتر از آن باشد، نیز قابل مطالبه است.

چ) برای تعیین خسارت، مدت بازداشت باید به‌طور دقیق محاسبه شود. شروع مدت، روز بازداشت متهم است و روز آزادی وی نیز جزو مدت بازداشت محسوب می‌گردد. بازداشت کمتر از یک روز نیز یک روز بازداشت محاسبه می‌شود.

ح) اگر متهم در مدت بازداشت به‌موجب جرم دیگری نیز تحت تعقیب قرار گرفته و در پرونده مزبور نیز برای وی قرار بازداشت موقت یا قرار تأمین منتهی به بازداشت صادر گردد و سپس

۱. مقررات قانونی آلمان در این زمینه موجبات محکومیت این کشور را در دادگاه اروپایی حقوق بشر به دنبال داشته و موجب اصلاح این مقررات شده است:

Bontemps Carole, La responsabilité de l'État du fait de la justice en Allemagne, in Justice et responsabilité de l'État, Maryse Deguegue (sous la dir.), PUF, 1e édition, Paris, 2003, pp. 46-51.

نسبت به پرونده اول حکم براءت یا قرار منع تعقیب صادر شود و نسبت به پرونده دوم حکم محکومیت صادر شود، شخص بازداشت شده تنها می‌تواند خسارت ایام بازداشت تا شروع تاریخ بازداشت در پرونده دوم را مطالبه نماید. به دیگر سخن، از تاریخ بازداشت به دلیل اتهام دوم، متهم هم‌زمان به علت قانونی دیگر بازداشت بوده و بنابراین حق مطالبه خسارت برای وی وجود ندارد (بند ت ماده ۲۵۶ ق.آ.د.ک).

خ) اگر شخصی به اتهام ارتکاب چندین جرم تحت تعقیب گرفته و برای مجموعه جرایم انتسابی قرار بازداشت موقت یا قرار تأمین کیفری منتهی به بازداشت صادر شده باشد (ماده ۲۱۸ ق.آ.د.ک) و پس از رسیدگی، نسبت به برخی از جرایم قرار منع تعقیب یا براءت و نسبت به برخی دیگر رأی محکومیت صادر شود، در این صورت، چنانچه مدت بازداشت موقت شخص نسبت به جرمی که برای آن محکوم شده است، کمتر یا برابر با مدتی باشد که مطابق قانون^۱ امکان بازداشت کردن متهم وجود دارد، در این صورت امکان مطالبه خسارت وجود ندارد. ولی در فرضی که مدت بازداشت بیش از آن باشد، متهم می‌تواند خسارت وارد شده را نسبت به ایام مازاد مطالبه نماید.

۲-۱. شرایط سلبی

شرایطی که وجود آن‌ها برای مطالبه خسارت ناشی از قرار بازداشت موقت ضروری است مورد مطالعه قرار گرفت. افزون بر شرایط ایجابی، فقدان برخی از شرایط نیز به منظور مطالبه خسارت ضروری است. به دیگر سخن، وجود شرایط مزبور، مطالبه خسارت را برای متهم بازداشت شده ممتنع می‌نماید؛ حتی اگر قرار منع تعقیب یا حکم براءت در خصوص اتهام انتسابی صادر شده باشد. ماده ۲۵۶ ق.آ.د.ک شرایط سلبی پیش گفته را پیش‌بینی نموده که در زیر به آن‌ها پرداخته

۱. ماده ۲۴۲ ق.آ.د.ک: «... مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در صورت در جرائم موجب مجازات سلب حیات مدت بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرائم از یک سال تجاوز نمی‌کند.»

می‌شود. بر اساس این ماده، در صورت بازداشت شخص به دلایل مزبور، شخص بازداشت‌شده مستحق جبران خسارت نخواهد بود.

۱-۲-۱. بازداشت شخص ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی‌گناهی باشد روشن است که در این فرض، مدارک، اسناد و ادله بی‌گناهی باید در اختیار شخص باشد و وی به صورت ارادی از ارائه آن‌ها خودداری نماید. در حقیقت، شخصی که ادله بی‌گناهی خود را در اختیار داشته و علیرغم آگاهی و توانایی در ارائه آن‌ها، مدارک مزبور را به منظور جلوگیری از بازداشت خود به مقام قضایی ارائه نمی‌نماید، بر اساس قاعده اقدام، به زیان خود اقدام و زمینه بازداشت خود را فراهم نموده است و بنابراین مستحق جبران خسارت نخواهد بود.

۲-۲-۱. به منظور فراری دادن مرتکب، خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشد به منظور احراز این شرط، متهم بازداشت‌شده باید نقش فعالی را به منظور فراری دادن مرتکب جرم ایفا نماید؛ مانند اینکه به ارتکاب جرم - به نادرست - اقرار نماید و یا با حضور در صحنه جرم و در دست گرفتن ادوات جرم، خود را در معرض بازداشت قرار دهد. در این مورد نیز همانند بند پیشین، شخص به زیان خود اقدام کرده و بر اساس قاعده اقدام، برائت بعدی نیز نمی‌تواند حقی برای وی در مطالبه خسارت ناشی از بازداشت ایجاد نماید.

۱-۲-۳. هم‌زمان به علت قانونی دیگر بازداشت باشد

هرگاه متهم به اتهام ارتکاب دو یا چند جرم از سوی مراجع قضایی تحت تعقیب قرار گیرد و نسبت به هر یک از اتهامات به صورت جداگانه قرار تأمین کیفری صادر و قرارهای مزبور منتهی به بازداشت شود و سپس، نسبت به یکی از جرایم مزبور که به موجب آن بازداشت شده است، قرار منع تعقیب یا حکم برائت صادر و قطعی شود، در این صورت، متهم نمی‌تواند نسبت به زمان بازداشت خود ادعای مطالبه خسارت نمی‌نماید؛ زیرا در همان ایام و نسبت به اتهامات انتسابی دیگر نیز به موجب قرار جداگانه در بازداشت بوده است. در این موارد، متهم تنها در صورتی

می‌تواند خسارت ناشی از بازداشت را مطالبه نماید که نسبت به همه اتهامات انتسابی به وی قرار منع تعقیب یا حکم برائت تحصیل کند.

۱-۲-۴. به هر جهتی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد

با وجود بندهای (الف) و (ب) ماده ۲۵۶ ق.آ.د.ک (بازداشت شخص ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی‌گناهی باشد؛ به منظور فراری دادن مرتکب جرم، خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشد)، مفاد بند (پ) ماده ۲۵۶ قانون پیش‌گفته ضروری به نظر نمی‌رسد. باین‌همه، علت متناسب به متهم که «به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد»، باید دلیل و مبنای بازداشت وی باشد. در غیر این صورت در امکان جبران خسارت شخص بازداشت‌شده تردید نباید کرد. در صورتی که اقدام متهم، در کنار سایر دلایل، یکی از عوامل مؤثر در بازداشت وی باشد، خسارت واردشده بر اساس تعدد اسباب و با توجه به میزان تأثیر هر یک از اسباب تعیین می‌گردد.

سه بند نخست ماده ۲۵۶ ق.آ.د.ک به‌طور کلی ناظر به تقصیر متهم در فراهم نمودن زمینه بازداشت موقت است. به همین جهت، باید فرضی را که شخص متهم با تهدید یا اجبار، ناگزیر خود را در مظان بازداشت قرار می‌دهد از شمول این بندها خارج دانست. جبران خسارت شخص بی‌گناه بازداشت‌شده اصل محسوب می‌شود. استثنائات اصل را باید به صورت مضیق تفسیر نمود. در حقوق فرانسه، در صورتی که حکم برائت یا قرار منع تعقیب به دلیل اختلال روانی یا فیزیکی متهم یا شمول عفو بعد از بازداشت یا شمول مرور زمان پس از آزادی، صادر شده باشد، همچنین در فرضی که متهم هم‌زمان به علت قانونی دیگر بازداشت شده یا به منظور فراری دادن مرتکب جرم، خود را در مظان بازداشت قرار داده باشد، خسارت وارده قابل جبران نخواهد بود (ماده ۱۴۹ ق.آ.د.ک.ف). در حقوق بلژیک نیز در صورتی که بازداشت، ناشی از رفتار متهم باشد (مانند اقرار خلاف واقع)، خسارتی به وی پرداخت نخواهد شد (ماده ۲۸ قانون مورخ ۱۳ مارس ۱۹۷۳).

۲. اقامه دعوی مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت

پس از مطالعه شرایط ایجابی و سلبی مطالبه خسارت، شیوه اعمال دعوی مطالبه خسارت ناشی از بازداشت شایسته بررسی است. بر اساس مقررات قانون آیین دادرسی کیفری، شخص بازداشت‌شده باید دعوی خود را علیه دولت طرح نماید. مطالعه اقامه‌ی دعوا علیه دولت، نیازمند بررسی مرجع صلاحیت‌دار، شیوه اقامه دعوا و چگونگی رسیدگی و صدور رأی در مرحله نخستین است (الف). درعین‌حال، مرجع اعتراض به رأی مرحله نخستین و نیز مهلت و چگونگی اعتراض در مرحله تجدیدنظر و اجرای آراء نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد (ب).

۲-۱. آیین دادرسی مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت در مرحله نخستین

به‌منظور مطالعه آیین دادرسی مطالبه خسارت ناشی از بازداشت در مرحله نخستین، مرجع صالح، شیوه و مهلت تسلیم درخواست و نحوه رسیدگی و صدور رأی به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرد

۲-۱-۱. مرجع صالح، شیوه و مهلت تقدیم درخواست

بر اساس نظام عمومی مسئولیت مدنی دادرسی، رسیدگی به دعوی مطالبه خسارت از دادرسی، پس از احراز تقصیر یا خطای قاضی در دادگاه عالی انتظامی قضات، در صلاحیت «دادگاه عمومی تهران» می‌باشد (ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷). با این‌همه، قانون‌گذار در ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک، برای رسیدگی به دعوی مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت مرجع ویژه‌ای^۱ -

۱. مطالعه حقوق تطبیقی نشان می‌دهد که قانون‌گذار در برخی از کشورها (ازجمله در فرانسه و ایران) مرجع ویژه‌ای را برای رسیدگی به درخواست جبران خسارت ناشی از بازداشت تأسیس نموده و در پاره‌ای دیگر از کشورها، رسیدگی به خسارات ناشی از تصمیمات و عملکرد دادگستری را در صلاحیت مراجع عمومی دادگستری قرار داده است. ایجاد مراجع خاص در برخی از کشورها، می‌تواند ازجمله با هدف سرعت در رسیدگی به درخواست‌ها و جلوگیری از رویه‌های متهافت انجام گیرد. در بلژیک، شخص بازداشت‌شده می‌تواند درخواست خود را در مراجع قضایی عمومی بر اساس مقررات قانون آیین دادرسی مدنی طرح نماید. درعین‌حال می‌تواند درخواست خود را به‌طور مستقیم به وزارت دادگستری نیز تقدیم نماید. در این صورت وزارت خانه اخیر باید ظرف مدت شش ماه نسبت به درخواست مزبور اتخاذ تصمیم نماید. در صورت عدم تعیین تکلیف از سوی وزارت دادگستری در مدت‌زمان یادشده یا در صورت عدم رضایت زیان‌دیده از تصمیم اتخاذشده، شخص

«کمیسیون استانی» جبران خسارت - را به پیروی از ماده ۱-۱۴۹ ق.آ.د.ک.ف^۱ پیش‌بینی نموده است. «کمیسیون استانی» که متشکل از سه نفر از قضات دادگاه تجدیدنظر استان به انتخاب رئیس قوه

بازداشت‌شده می‌تواند به کمیسیون مخصوصی متشکل از رئیس دیوان عالی کشور، رئیس شورای دولتی و رئیس کانون وکلا مراجعه نماید. تصمیمات این کمیسیون قطعی و غیر قابل اعتراض می‌باشد (ماده ۲۸ قانون راجع به جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت مصوب ۱۹۷۳). در الجزایر نیز کمیسیون خاصی با عنوان «کمیسیون جبران خسارت» (Commission d'indemnisation) متشکل از رئیس دیوان عالی کشور و دو نفر از قضات دیوان عالی به‌عنوان تنها مرجع رسیدگی به درخواست‌های مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت اشخاص بی‌گناه پیش‌بینی شده است (ماده ۱۳۷ مکرر به بعد قانون آیین دادرسی کیفری الجزایر). در اسپانیا، ذینفع باید درخواست خود مبنی بر جبران خسارت را به وزارت دادگستری تقدیم نماید. وزیر دادگستری در خصوص ورود یا عدم ورود زیان و وجود رابطه سببیت اظهار نظر می‌نماید. چنانچه وزارت دادگستری تمام یا بخشی از خواسته را رد نماید، شخص بازداشت‌شده (ذینفع) می‌تواند اعتراض خود را ظرف مدت دو ماه از تاریخ ابلاغ تصمیم وزارت خانه پیش‌گفته به دادگاه دعاوی اداری تقدیم نماید. در حقوق سوئیس، مطابق بند دوم ماده ۴۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور، مرجع کیفری صادرکننده رأی براءت یا قرار منع تعقیب، به درخواست شخص بازداشت‌شده مبنی بر مطالبه خسارت رسیدگی می‌نماید. برای مطالعه بیشتر در این زمینه در حقوق اسپانیا، آلمان، سوئیس و بلژیک به ترتیب نگاه کنید به:

V. Moreno-Catena, « La responsabilité des juges en Espagne », in La responsabilité des magistrats : actes du [6eme] colloque organisé à Limoges le 18 novembre 2005, Textes réunis par Simone Gaboriau et Hélène Pauliat, Presses universitaires de Limoges, 2008, p. 180 et s.; H. Heitland, «La responsabilité pénale, civile et disciplinaire des juges en Allemagne», in La responsabilité des magistrats: actes du [6eme] colloque organisé à Limoges le 18 novembre 2005, Textes réunis par Simone Gaboriau et Hélène Pauliat, Presses universitaires de Limoges, 2008, p. 129 et s. ; P. Wessner, Rapport suisse, Travaux de l'Association Henri Capitant, Tome L, Année 1999. Journées panaméennes de Panama: La responsabilité: aspects nouveaux, Paris, 2003, p. 657 et s. ; M. Franchimont, A. Jacob, A. Masset, Manuel de procédure pénale, 4e édition, Bruxelles, 2e édition Larquier, 2012, p. 748.

۱. هرچند، همان‌گونه که گفته شد، آیین رسیدگی به دعوی جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت در قانون جدید آیین دادرسی کیفری کشورمان از مواد ۱۵۰-۱۴۹ ق.آ.د.ک.ف اقتباس شده است، با این‌همه، تفاوت در سازمان قضایی ایران و فرانسه موجب شده تا نویسندگان قانون جدید آیین دادرسی کیفری کشورمان تغییراتی را در برخی از مقررات از جمله مرجع نخستین رسیدگی ایجاد نمایند. در فرانسه بر اساس ماده ۱-۱۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور، رئیس دادگاه تجدیدنظر حوزه قضایی که قرار منع یا موقوفی تعقیب یا رأی براءت در آن حوزه صادر شده است، به درخواست جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت رسیدگی می‌نماید. در واقع در حقوق فرانسه، رئیس دادگاه تجدیدنظر اصولاً رئیس شعبه

قضایه است و در صورت ضرورت دارای شعب متعدد خواهد بود (مواد ۲ و ۳ آیین‌نامه)، مرجع نخستین رسیدگی به درخواست‌های جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت می‌باشد. اطلاق عنوان «کمیسیون»، این نهاد قانونی را از شمول مراجع قضایی خارج نمی‌نماید.^۱ این کمیسیون به‌عنوان یک مرجع قضایی «اختصاصی»^۲ با ماهیت مدنی^۳ به درخواست‌های جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت رسیدگی می‌کند.

اول دادگاه تجدیدنظر شناخته نمی‌شود و قانون، صلاحیت‌های جداگانه‌ای را به وی اعطا نموده است. رئیس دادگاه تجدیدنظر از جمله، صلاحیت رسیدگی به درخواست اجرا یا توقف اجرای موقت رأی، رسیدگی به اعتراض به برخی از تصمیمات رئیس کانون و کلاسبت به و کلا و رسیدگی به درخواست جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت را به عهده دارد (ماده ل ۷-۳۱۱ قانون سازمان قضایی فرانسه).

۱. برای دیدن عناصر مرجع قضایی و تمیز آن از مراجع غیر قضایی نگاه کنید به: فریدون نهرینی، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۸۸ به بعد.

۲. اختصاصی بودن کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت، صلاحیت مراجع یادشده را به رسیدگی به دعوی جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت منحصر می‌نماید. صلاحیت کمیسیون منصرف به دعوی متهم بازداشت‌شده است و همان‌گونه که گفته شده است (علی خالقی، آیین دادرسی کیفری، منبع پیشین، ص ۲۶۴)، رسیدگی به ادعای سایر افراد مانند شهود یا مطلعین را در بر نمی‌گیرد. به همین ترتیب، دولت (وزارت دادگستری) نمی‌تواند در جریان رسیدگی به دعوی مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت، قاضی (و یا اشخاص دیگر مانند شهود) را به‌عنوان ثالث و مسئول اصلی به دادرسی جلب نماید. چون علاوه بر اینکه تشریفات خاصی به‌منظور اقامه دعوا علیه قاضی ضروری است، کمیسیون استانی پیش‌بینی شده در قانون جدید آیین دادرسی کیفری صرفاً به درخواست متهم بی‌گناه بازداشت‌شده رسیدگی می‌نماید و اعطای صلاحیت اضافی به این کمیسیون نیازمند تصریح قانونی است. وانگهی، هدف و فلسفه پیش‌بینی دعوی زیان‌دیده علیه دولت، جبران خسارت وی در کمترین زمان ممکن و با کمترین تشریفات بوده است. مجاز نمودن طرح دعوی طاری مغایر با هدف و فلسفه مزبور می‌باشد.

۳. در ماده ۴-۱۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، ماهیت مدنی مراجع رسیدگی‌کننده به درخواست جبران خسارت به‌صراحت مورد اشاره قرار گرفته است:

« La procédure devant le premier président de la cour d'appel et la commission nationale, qui statuent en tant que juridictions civiles [...] ».

در قانون آیین دادرسی کیفری الجزایر نیز بر ماهیت مدنی کمیسیون جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت تأکید شده است:

Article 137 bis 3 : « La commission a le caractère d'une juridiction civile. [...] ».

خواهان^۱ در ارائه درخواست خود به کمیسیون استانی ملزم به تقدیم «دادخواست» به مفهومی که در ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی آمده ندارد. به همین جهت در ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک و مواد ۲، ۸، ۹ و ۱۰ آیین نامه مقرر شده است که شخص بازداشت شده «درخواست» خود را به کمیسیون استانی تقدیم می نماید. در حقوق فرانسه نیز طرح دعوا نیازمند تقدیم دادخواست (Assignation) نیست و مطابق ماده ۲-۱۴۹ ق.آ.د.ک.ف این کشور، تقدیم درخواست (Requête) برای رسیدگی کافی است.^۲

شخص بازداشت شده باید درخواست جبران خسارت را ظرف مدت شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی بی گناهی یا تاریخ قطعی شدن رأی بی گناهی به کمیسیون استانی تقدیم نماید (ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک). این مدت، در فرانسه (ماده ۲-۱۴۹ ق.آ.د.ک.ف) و الجزایر (ماده ۴-۱۳۷ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری الجزایر) شش ماه و در ایتالیا دو سال تعیین شده است (Canterini, 2003: 542; Monateri, 2003: 109).

خواننده دعوی جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت، منحصراً دولت است؛ اعم از اینکه مبنای بازداشت موقت، خطا یا تقصیر قاضی باشد. نماینده دولت به منظور حضور در دادرسی نیز وزارت دادگستری است (مواد ۲۵۵ و ۲۵۹ ق.آ.د.ک). با این همه، عدم تعیین خواننده در درخواست مطالبه خسارت نباید مانعی برای پذیرش و رسیدگی به آن تلقی شود؛ زیرا همان گونه که گفته شد، خواننده دعوا- وزارت دادگستری- به موجب قانون تعیین شده و دادگاه نیز رأساً مکلف است خواننده را به دادرسی دعوت نماید. این تفسیر به ویژه از ظاهر تبصره ذیل ماده ۳۴۲

۱. نویسندگان آیین نامه شیوه رسیدگی و اجرای آراء کمیسیون های استانی و ملی جبران خسارت ناشی از بازداشت از به کارگیری واژه خواهان و تجدیدنظرخواه خودداری نموده و به جای آن از کلمه «متقاضی» استفاده نموده اند (مواد ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۷، ۱۸، ۲۲ آیین نامه).

۲. برای دیدن شیوه های مختلف اقامه دعوی مدنی در مراجع قضایی فرانسه نگاه کنید به: ریموند مارتین، اصول راهبردی دادرسی مدنی، ترجمه اسماعیل شایگان، با مقدمه دکتر عباس کریمی و فیلیپ تری، چاپ اول، نشر میزان، بهار ۱۳۹۵، ص ۸۱، پاورقی شماره یک.

ق.آ.د.ک که دادگاه را مکلف نموده تا وزارت دادگستری را نیز به جلسات دادرسی دعوت نماید^۱ و نیز ماده ۸ آیین نامه که شرایط درخواست را احصا نموده و در آن به ضرورت تعیین خواننده اشاره نشده است، استنباط می گردد.

در فرانسه، مطابق مواد ۲۷ و ۳۲ آیین نامه اجرایی قانون آیین دادرسی کیفری این کشور، دادستان و نماینده وزارت امور اقتصادی و مالی (به عنوان نماینده دولت)، برای حضور در جلسات دادرسی راجع به جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت دعوت می شوند.

پرسشی که ممکن است در این باره طرح شود این است که آیا ذی نفع می تواند دعوی خود را هم زمان علیه دولت و قاضی طرح کند و یا از اقامه دعوا علیه دولت صرف نظر کرده و دعوا را به طور مستقیم علیه قاضی اقامه نماید؟

در پاسخ به پرسش یادشده ممکن است گفته شود که مطالبه خسارت از دولت امتیازی است که قانون گذار به شخص بازداشت شده اعطا نموده و این امتیاز مانعی برای وی در مراجعه به مسئول اصلی خسارت ایجاد نمی کند. هر چند بتوان نظر پیش گفته را بر اساس قواعد و اصول کلی حقوق خصوصی توجیه نمود، اما با توجه به مبنا و فلسفه جانشینی مسئولیت دولت، در عدم پذیرش نظر مزبور نباید تردید نمود؛ زیرا افزون بر تفاوت در تشریفات و آیین اقامه دعوا علیه

۱. تبصره ماده ۳۴۲ ق.آ.د.ک: «در دعاوی مربوط به مطالبه خسارت موضوع ماده (۲۶۰) این قانون و ماده (۳۰) قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ و مواردی که دیه از بیت المال مطالبه می شود، دادگاه موظف است از دستگاه پرداخت کننده دیه یا خسارت به منظور دفاع از حقوق بیت المال برای جلسه رسیدگی دعوت نماید. دستگاه مذکور حق تجدیدنظرخواهی از رأی را دارد». خلا قانونی حضور دادستان در دعاوی راجع به منافع و حقوق عمومی در مراجع قضایی مدنی ضرورتی است که باید در اولین فرصت، با تدارک زمینه های آن، برطرف گردد. در قانون آیین دادرسی مدنی فعلی مصوب سال ۱۳۷۹، ضرورت حضور دادستان در دادرسی های مدنی به منظور دفاع از حقوق و منافع عمومی، از جمله به دلیل حذف دادرسی ها از سازمان قضایی ایران در دهه هفتاد خورشیدی، از نظام حقوقی کشورمان حذف شد و حضور این مقام قضایی در دعاوی مدنی، علیرغم احیای مجدد دادرسی ها، محدود به موارد استثنایی مانند دعاوی راجع به محجورین و دعاوی ورشکستگی شده است. در ماده ۱۳۹ قانون سابق آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸، مواردی را که دادستان باید در دادرسی های مدنی و بازرگانی شرکت می کرد و از آن با عنوان «موارد ابلاغ» یاد می شد، پیش بینی شده بود.

قاضی و دولت، جایگزینی مسئولیت دولت به جای مسئولیت قضات صرفاً امتیازی برای شهروندان تلقی نمی‌شود تا بتوانند از آن صرف نظر کنند، بلکه حمایت از حقوق و اقتدار قضات نیز یکی از مبانی آن بوده و از این حیث، در زمره حقوق عمومی محسوب می‌شود.

۲-۱-۲. رسیدگی و صدور رأی

برخلاف نظام عمومی مسئولیت مدنی دادرسی^۱، رسیدگی کمیسیون استانی به درخواست جبران خسارت منوط به اظهار نظر قبلی دادگاه انتظامی قضات نمی‌باشد.^۲ آیین‌نامه شیوه رسیدگی و اجرای آرای کمیسیون‌های استانی و ملی شرایط و شیوه رسیدگی به درخواست جبران خسارت را به اجمال مشخص نموده است. در عین حال، با توجه به ماهیت مدنی دعوا و مرجع

۱. اقامه دعوا علیه دادرسی در چارچوب اصل ۱۷۱ قانون اساسی، منوط به احراز تقصیر قاضی در دادگاه انتظامی قضات می‌باشد: «هرچند بر اساس اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی هرگاه ضرر مادی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر ضامن و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود. لیکن برابر مقررات ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ رسیدگی ماهوی به دعوی جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی منوط به احراز [خطا یا تقصیر] در دادگاه عالی انتظامی قضات است. [...]». دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۶۹۹۴۰۰۵۸۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۸ شعبه ۵۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (حقوقی) سال ۹۱، تدوین پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی، انتشارات مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۶۹۵.

۲. برخی از پژوهشگران اعلام نموده‌اند که «چنانچه وفق نظر دادگاه عالی انتظامی قضات، تقصیر یا تخلفی از سوی مقامات قضایی احراز گردد، دادگاه مزبور پس از تعیین نوع و میزان مجازات انتظامی مقام قضایی متخلف و فقدان جنبه جزایی عمدی داشتن موضوع، پرونده را به کمیسیون استانی جبران خسارت اعاده می‌نماید تا مسئول نهایی پرداخت جبران خسارت تعیین گردد» (باقر شاملو، مجید مرادی، «خسارت زدایی از مظنونان، متهمان و محکومان بی‌گناه؛ جایگاه حقوقی، فرایند عملی»، مجله حقوقی دادگستری، منع پیشین، ص ۲۳۱). این نظر نه تنها با مقررات موجود (ماده ۲۵۵ به بعد ق.آ.د.ک) منطبق نمی‌باشد، بلکه با فلسفه مسئولیت دولت در این زمینه و نیز هدف قانون‌گذار از تأسیس کمیسیون‌های دوگانه‌ی مورد بحث - رسیدگی به درخواست جبران خسارت با احراز شرایط مذکور در ماده ۲۵۶ ق.آ.د.ک در کمترین زمان ممکن - نیز مغایرت آشکار دارد.

رسیدگی کننده^۱ نسبت به مواردی که در آیین‌نامه سکوت اختیار شده است، بر اساس اصول و قواعد دادرسی مدنی و مقررات قانون آیین دادرسی عمل می‌شود. در هر حال، خواهان باید در درخواست خود، افزون بر مشخصات خویش، به شعبه بازداشت کننده و شعبه صادرکننده قرار منع تعقیب یا رأی برائت قطعی، مدت بازداشت، میزان و نوع خسارات وارده اشاره و مدارک مثبت خواسته (از جمله تصویر مصدق قرار منع تعقیب یا رأی برائت) را نیز پیوست نماید (ماده ۸ آیین‌نامه). در صورت عدم رعایت شرایط پیش گفته، مدیر دفتر کمیسیون استانی ظرف مدت دو روز مراتب را جهت رفع نقایص مربوطه با اعلام مهلت ده روز به متقاضی اطلاع می‌دهد (ماده ۱۳ آیین‌نامه).^۲ ضمانت اجرای عدم رفع نقایص در آیین‌نامه تعیین نشده و به بیان عبارت «اتخاذ تصمیم» توسط رئیس کمیسیون اکتفا شده است. با این همه، به نظر می‌رسد، تصمیم کمیسیون مطابق ملاک مواد ۵۳ به بعد ق.آ.د.م اتخاذ خواهد شد.^۳

۱. در مواد ۲۵۵ به بعد قانون آیین دادرسی کیفری و نیز در آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده ۲۶۱ قانون پیش گفته به ماهیت مدنی درخواست و مرجع رسیدگی کننده به طور صریح اشاره نشده است. با این همه، ماهیت تقاضا (جبران خسارت) و نیز پیشینه مقررات در حقوق فرانسه، چنانکه پیش تر گفته شد، ماهیت مدنی آن را تأیید می‌نماید. افزون بر این، پیش‌بینی اصل حاکمیت اصحاب دعوا بر موضوع دعوا که یکی از اصول دادرسی مدنی است، در تبصره یک ماده ۱۷ آیین‌نامه، تردیدی در ماهیت مدنی دعوا و کمیسیون‌های رسیدگی کننده باقی نمی‌گذارد. مطابق مقرر اخیر، «کمیسیون استانی و کمیسیون ملی در چارچوب درخواست متقاضی رسیدگی و رأی مقتضی صادر می‌نمایند». برای مطالعه درباره اصل حاکمیت اصحاب دعوا، نگاه کنید به: مجید پور استاد، اصل حاکمیت اصحاب دعوی مدنی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۷، ص ۹۷ به بعد.

۲. اطلاع به متقاضی ناظر به مواردی است که نشانی وی در درخواست تقدیمی به دفتر کمیسیون اعلام شده باشد. در صورت عدم اعلام نشانی، می‌توان بر اساس ملاک ماده ۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی عمل نمود (ردّ درخواست). در صورت اعمال ضمانت اجرای مزبور، ممکن است مهلت شش ماه تعیین شده در ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک سپری شود و متقاضی از ارائه مجدد درخواست محروم گردد.

۳. انتظار می‌رفت در آیین‌نامه شیوه رسیدگی و اجرای آرای گروه‌های استانی و ملی جبران خسارت به تفصیل به آیین رسیدگی در کمیسیون‌ها و شیوه اجرای آرای آن‌ها پرداخته می‌شد. شیوه تبادل لوایح طرفین در جریان دادرسی، چگونگی تبادل لایحه تجدیدنظر خواهی و مهلت پاسخگویی تجدیدنظر خوانده، ضمانت اجرای درخواست تقدیمی خارج از مهلت شش ماه قانونی، چگونگی بهره‌مندی شخص بازداشت شده از قرارهای تأمینی، عدم تفکیک دادرسی در مرحله نخستین و تجدیدنظر و ...،

کمیسیون رأساً یا به درخواست خواهان، می‌تواند در صورت لزوم، اسناد یا اطلاعات مرتبط و مؤثر در دادرسی و نیز پرونده کیفری را از مرجع کیفری مربوط یا سایر مراجع و مؤسسات جهت مطالعه مطالبه نماید (ماده ۲۰ آیین‌نامه و تبصره ۲ ذیل آن و ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی مدنی). ذینفع در صورت امکان، میزان خسارات مادی و معنوی مورد مطالبه را تعیین و مدارک آن را به ضمیمه درخواست تقدیم می‌نماید. مدارک و ادله مثبت خسارات مورد مطالبه می‌تواند سند رسمی یا عادی، شهادت شهود و تقاضای کارشناسی باشد. جلسه یا جلسات رسیدگی که در صورت نیاز تشکیل می‌گردد (ماده ۱۲ آیین‌نامه) جز در موارد استثنایی، به صورت علنی برگزار می‌شود (اصل ۱۶۵ قانون اساسی). رأی کمیسیون باید مستدل و مستند بوده و در صورت وارد بودن خواسته متقاضی، مشتمل بر میزان خسارت (ماده ۱۷ آیین‌نامه و ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی) یا شیوه‌های جبران خسارت (ملاک تبصره دو ماده ۱۷ آیین‌نامه) باشد. در رأی صادرشده علی‌الاصول به حضوری و غیابی بودن رأی، قابلیت اعتراض به رأی و مرجع و مهلت اعتراض نیز اشاره می‌شود.

۲-۲. آیین دادرسی مرحله تجدیدنظر

به منظور بررسی آیین رسیدگی به جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت در مرحله تجدیدنظر، مرجع اعتراض، شیوه و مهلت اعتراض، رسیدگی و صدور رأی در کمیسیون ملی جبران خسارت و اجرای آراء به ترتیب مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

از جمله مواردی است که علیرغم تأثیر آن‌ها بر حقوق دفاعی طرفین، در آیین‌نامه به آن‌ها توجهی نشده است. در حقوق فرانسه، در مواد ۲۶ تا ۳-۴۰ آیین‌نامه اجرایی قانون آیین دادرسی کیفری به تفصیل به شیوه رسیدگی به درخواست جبران خسارت اشاره شده است.

۲-۱. شیوه، مهلت و مرجع اعتراض به رأی کمیسیون استانی

رأی کمیسیون استانی، مرجع نخستین رسیدگی کننده، مطابق ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک و ماده ۴ آیین‌نامه قابل اعتراض در «کمیسیون ملی جبران خسارت» می‌باشد. کمیسیون ملی جبران خسارت متشکل از رئیس دیوان عالی کشور یا یکی از معاونان وی و دو نفر از قضات دیوان عالی کشور به انتخاب رئیس قوه قضاییه است (ماده ۲۵۸ ق.آ.د.ک و ماده ۴ آیین‌نامه). در حقوق فرانسه نیز، بر اساس ماده ۳-۱۴۹ ق.آ.د.ک.ف، کمیسیون ملی جبران خسارت ناشی از بازداشت‌ها، از سه عضو شامل رئیس دیوان عالی کشور یا نماینده وی - به‌عنوان رئیس کمیسیون - و دو نفر از قضات دیوان عالی کشور تشکیل می‌شود.

مهلت اعتراض به آرا کمیسیون استانی ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی این کمیسیون می‌باشد (قسمت اخیر ماده ۲۵۸ ق.آ.د.ک و ماده ۱۱ آیین‌نامه).^۲ اعتراض را می‌توان به دفتر کمیسیون استانی صادرکننده رأی یا دفتر کمیسیون ملی جبران خسارت در دیوان عالی کشور تقدیم نمود. شخص بازداشت‌شده در صورت ردّ اعتراض به صورت کلی یا جزئی^۳ و وزارت دادگستری به‌منظور دفاع از حقوق بیت‌المال می‌توانند به رأی کمیسیون استانی اعتراض کنند (قسمت اخیر ماده ۲۵۷ و تبصره ذیل ماده ۳۴۲ ق.آ.د.ک و ماده ۱۱ آیین‌نامه). شیوه اعتراض به رأی کمیسیون

1. Commission nationale de réparation des détentions.

۲. در فرانسه بر اساس ماده ۳-۱۴۹ ق.آ.د.ک.ف، مهلت اعتراض به تصمیم رئیس دادگاه تجدیدنظر، ده روز از تاریخ ابلاغ رأی می‌باشد.

۳. در ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک به حق اعتراض یا تجدیدنظرخواهی ذینفع از رأی کمیسیون استانی «در صورت رد درخواست» اشاره شده است. ردّ درخواست، همان‌گونه که گفته شده است (علی‌خالقی، آیین دادرسی کیفری، منبع پیشین، ص ۲۶۵)، شامل ردّ جزئی یا کلی درخواست می‌شود؛ زیرا هیچ‌گونه مبنای منطقی و حقوقی برای عدم پذیرش اعتراض در فرض ردّ قسمتی از درخواست وجود ندارد. مفاد ماد ۱۱ آیین‌نامه نیز که به‌صورت مطلق به «اعتراض به رأی کمیسیون» اشاره نموده است، مؤید این استنباط می‌باشد. برای دیدن نظری که مفاد ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک را، در صورت ردّ بخشی از خواسته، به عدم امکان تجدیدنظرخواهی ذینفع تفسیر نموده‌اند، نگاه کنید به: باقر شاملو، مجید مرادی، «خسارت زدایی از مظنونان، متهمان و محکومان بی‌گناه؛ جایگاه حقوقی، فرایند عملی»، مجله حقوقی دادگستری، منبع پیشین، ص ۲۳۴.

استانی تابع تشریفات خاصی نبوده و مطابق قواعد کلی و با تقدیم «درخواست» انجام می‌گیرد. درخواست اعتراض باید مشتمل بر مشخصات تجدیدنظرخواه، جهات و دلایل اعتراض و مشخصات و تصویر دادنامه مورد اعتراض باشد (ماده ۹ آیین‌نامه).

۲-۲-۲. شیوه رسیدگی و صدور رأی در کمیسیون ملی جبران خسارت و اجرای آراء چگونگی رسیدگی و صدور رأی در کمیسیون ملی جبران خسارت همانند شیوه رسیدگی و صدور رأی در مرحله نخستین (کمیسیون استانی) است که در سطور پیشین از نظر گذشت. آنچه مسلم است این که اصل تقابل و حق دفاع ایجاب می‌نماید که اعتراض تجدیدنظرخواه به رأی کمیسیون استانی به طرف مقابل ابلاغ شود تا شخص اخیر بتواند دفاعیات خود را تدارک نماید.^۱ در اینجا مناسب است به این نکته اشاره شود که هر چند اعضای کمیسیون ملی جبران خسارت از قضات دیوان عالی کشور می‌باشند و این کمیسیون، علی‌الاصول در دیوان عالی کشور تشکیل می‌گردد، با این وصف نمی‌توان آن را مرجع فرجام‌خواهی از آراء کمیسیون استانی تلقی نمود. به دیگر سخن، کمیسیون ملی جبران خسارت مرجع «تجدیدنظر» از آراء کمیسیون استانی است و به جهات ماهوی و حکمی اعتراضات به آراء کمیسیون‌های استانی رسیدگی می‌نماید. به همین دلیل، این کمیسیون ضمن رسیدگی ماهوی به پرونده، رأی کمیسیون استانی را تأیید یا در صورت اقتضاء فسخ و رأی مناسب صادر می‌نماید. به همین ترتیب کمیسیون ملی جبران خسارت می‌تواند خسارت تعیین شده در رأی مرجع نخستین را کاهش یا افزایش دهد. بر اساس قسمت اخیر ماده ۲۵۸ ق.آ.د.ک، رأی کمیسیون ملی جبران خسارت قطعی است.^۲

۱. برای مطالعه درباره اصول دادرسی مدنی نگاه کنید به: اسماعیل شایگان، «آیین دادرسی مدنی در پرتو اصول دادرسی»، در: اصول راهبردی دادرسی مدنی، ریموند مارتین، ترجمه اسماعیل شایگان، با مقدمه دکتر عباس کریمی و پرفسور فیلیپ تری، چاپ اول، نشر میزان، بهار ۱۳۹۵، ص ۱۹ به بعد.

۲. علیرغم عدم ذکر نام کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت در تبصره ذیل ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک، تجویز اعاده دادرسی از آراء کمیسیون‌های پیش گفته به استناد خلاف بین شرع بودن آراء آنها بعید به نظر نمی‌رسد.

با صدور رأی قطعی از کمیسیون ملی جبران خسارت یا قطعی شدن رأی کمیسیون استانی و ابلاغ آن، در صورتی که حکم کمیسیون به‌طور کلی یا جزئی به نفع متقاضی صادر شده باشد، با تقاضای ذینفع (دادبرده) نسبت به اجرای آن (بدون صدور اجرائیه) اقدام می‌گردد (ماده ۲۲ آیین‌نامه). به‌منظور تسهیل اجرای آراء کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت، صندوقی که بودجه آن از محل بودجه کل کشور تأمین می‌گردد، در وزارت دادگستری تشکیل می‌شود و وزیر دادگستری محکوم‌به را، در مواردی که مفاد رأی مبتنی بر پرداخت خسارت باشد، از محل آن پرداخت می‌نماید (ماده ۲۶۰ ق.آ.د.ک و ماده ۲۱ به بعد آیین‌نامه). وزارت دادگستری مکلف است تا خسارت موضوع حکم را ظرف مدت یک ماه از تاریخ اعلام کمیسیون به محکوم‌له پرداخت نماید (ماده ۲۳ آیین‌نامه).

در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم، شهادت کذب و یا تقصیر مقامات قضایی باشد، وزارت دادگستری می‌تواند پس از اجرای رأی کمیسیون و پرداخت خسارت ذی‌نفع، به مسئول اصلی مراجعه نماید (ماده ۲۵۹ ق.آ.د.ک و ماده ۲۴ آیین‌نامه). در این موارد، رسیدگی به دعوی رجوعی دولت علیه مسئول اصلی، علی‌الاصول مشمول تشریفات و یا قواعد خاصی نیست و دعوی پیش‌گفته مطابق مقررات عمومی مسئولیت مدنی و آیین دادرسی مدنی علیه عامل زیان در مرجع صالح اقامه می‌شود. باین‌همه، اقامه دعوی رجوعی علیه قاضی منوط به احراز تقصیر قاضی در دادگاه انتظامی قضات می‌باشد (ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات). در حقوق فرانسه نیز در فرضی که اعلام‌کننده جرم دارای سوءنیت بوده یا بازداشت مبتنی بر شهادت دروغ باشد، دولت می‌تواند پس از پرداخت خسارت به مسئول اصلی رجوع نماید (ماده ۱۵۰ ق.آ.د.ک.ف).

برآمد؛

قانون‌گذار کشورمان با پذیرش مسئولیت دولت نسبت به خسارات ناشی از بازداشت شخص بی‌گناه، گامی مهم در شناسایی مسئولیت دولت نسبت به عملکرد دادگستری و به‌طور کلی نسبت به تصمیمات بخشی از کارمندان و نهادهای تحت مدیریت دولت برداشته است. جانشینی

مسئولیت دولت به شرح پیش گفته می‌تواند به تدریج و با رعایت شرایطی به سایر تصمیمات مراجع قضایی نیز تسری یابد. به بیان دیگر، شایسته است که دولت نه تنها نسبت به خسارات ناشی از بازداشت شخص بی‌گناه بلکه نسبت به زیان‌های ناشی از سایر تصمیمات قضایی، به‌طور مستقیم در برابر شهروندان مسئول شناخته شود و مسئولیت مستقیم دادرس در برابر زیان‌دیده به مواردی همچون تقلب و تدلیس محدود گردد. مسئولیت دولت - به جای مسئولیت مستقیم دادرس - موجب می‌شود تا نه تنها زیان‌دیده در مطالبه خسارت وارد شده با اعسار بدهکار مواجه نشود، بلکه اقتدار دادرس را نیز در برابر اصحاب دعوا حفظ می‌نماید. همچنین در مواردی که علاوه بر خطای قاضی اسباب دیگری نیز در ورود خسارت سهیم باشد به گونه‌ای که انتساب زیان به یکی از آن‌ها ممکن نباشد، مراجعه مستقیم به دولت، زیان‌دیده را با دشواری‌های مربوط به تعیین عامل زیان مواجه نخواهد کرد.

از طرف دیگر، سزاوار است تا مبنا، شرایط و دامنه‌ی مسئولیت مدنی قاضی در برابر دولت در چارچوب دعوی رجوعی تعیین شود. قانون‌گذار می‌تواند دامنه محکومیت دادرس در مقابل دولت را با توجه به ماهیت و نوع تقصیر ارتكابی و سایر اوضاع و احوال تبیین نماید. دامنه محکومیت مالی دادرس و شیوه اجرای آن، رابطه مستقیمی با استقلال قاضی و کیفیت عملکرد وی دارد. به همین جهت، نباید به دادرس بسان یک مدیون عادی در مقابل دولت نگریسته شود. افزون بر این، ساختار سیاسی و قضایی ایران ایجاب می‌کند که اقامه دعوی رجوعی دولت علیه دادرس، به‌منظور حفظ استقلال دادرسان، همواره به اظهار نظر دادگاه انتظامی قضات منوط گردد. تعادل بین استقلال و اقتدار دادگستری و دادرسان و اعتبار تصمیم‌های اتخاذ شده توسط آن‌ها از یک‌طرف و ضرورت جبران خسارت وارد شده از طرف دادگستری به اصحاب دعوی از طرف دیگر، مهم‌ترین هدف حقوق مسئولیت مدنی و انتظامی قضات به شمار می‌آید. به همین جهت، ایجاد هماهنگی بین مقررات انتظامی حاکم بر قضات و مقررات راجع به مسئولیت مدنی دادرسان و اصلاح مقررات در این خصوص ضروری است. در بسیاری از موارد، تعقیب انتظامی

دادرسی می‌تواند، از نظر کارآمدی و اثربخشی، مؤثرتر از پیگرد مدنی قاضی باشد. به بیان دیگر، با برقراری یک ارتباط منطقی بین مسئولیت مدنی دولت (ناشی از تصمیمات دادرسان) و مسئولیت انتظامی قضات، نظارت و کنترل مؤثرتری بر قاضی اعمال می‌شود.^۱

اگرچه شناسایی مسئولیت دولت نسبت به عملکرد دادگستری موجب تحمیل هزینه‌بر بودجه عمومی کشور می‌گردد با این همه، این امر می‌تواند تصمیم‌گیرندگان (از جمله قانون‌گذار و مدیران ارشد قوه قضاییه) را به تدریج به سمت توجه بیشتر به کیفیت و کارآمدی دادگستری از طریق اصلاح سازمان قضایی و پیش‌بینی تشکیلات قضایی کارآمد، سازمان‌دهی روش‌های متناسب و مؤثر شکایت از آراء، تمرکز بیشتر بر معیارهای علمی در فرایند استخدام و آموزش قضات، ضابطان دادگستری و کارمندان اداری مراجع قضایی، توجه بیشتر بر مستدل بودن آرا و اجرای دقیق سایر اصول و حقوق دادرسی در مراجع قضایی و نظارت مؤثر بر اجرای موارد مذکور توسط مراجع قضایی عالی هدایت نماید. افزایش کیفیت عملکرد دادگستری و تصمیمات قضایی به شرح پیش گفته، خطای قضایی و هزینه‌های ناشی از آن را کاهش می‌دهد و این امر نیز اعتماد عمومی به دستگاه قضایی را به طرز چشمگیری بالا خواهد برد.

مسئولیت دولت با شرایطی که گفته شد، از یک طرف، استقلال دادگستری، اقتدار قضات و اعتبار تصمیم‌های اتخاذشده توسط آن‌ها را تضمین می‌نماید و از طرف دیگر، خسارت واردشده به اشخاص را جبران نشده باقی نمی‌گذارد.

۱. یکی از جلوه‌های هماهنگی بین مقررات انتظامی و مسئولیت مدنی قضات در این زمینه، اصلاح ماده ۲۲ قانون نظارت بر رفتار قضات و اعطای حق تعقیب و پیگیری انتظامی دادرسان به وزارت دادگستری، پس از محکومیت دولت به پرداخت خسارت ناشی از بازداشت متهمان بی‌گناه، می‌باشد. برای دیدن نظری که جامع‌نگری را در تدوین مقررات ناظر به حقوق مسئولیت مدنی، کیفری و انتظامی دادرسان ضروری دانسته است، نگاه کنید به: عباس کریمی، اسماعیل شایگان، مسئولیت انتظامی قضات دادگستری در حقوق فرانسه، مجله کانون و کلای دادگستری مرکز، دوره جدید شماره ۶۱/۶۲، پاییز/زمستان ۱۳۹۴، ص ۶۵ به بعد، به ویژه ص ۹۶ به بعد.

منابع

- آشوری، محمد (۱۳۷۶)، لزوم جبران خسارت زندانیان بی گناه، در: عدالت کیفری، مجموعه مقالات، تهران: انتشارات گنج دانش.
- بابایی، ایرج (۱۳۸۴)، «نقد اصل قابلیت جبران کلیه خسارات در حقوق مسئولیت مدنی ایران»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۵ و ۱۶.
- پروین، فرهاد (۱۳۸۰)، خسارت معنوی در حقوق ایران، تهران: انتشارات ققنوس.
- پور استاد، مجید (۱۳۸۷)، «اصل حاکمیت اصحاب دعوی مدنی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۳.
- خالقی، علی (۱۳۹۵)، آیین دادرسی کیفری، چاپ سی ام، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
- شاملو، باقر؛ مرادی، مجید (۱۳۹۳)، «خسارت زدایی از مظنونان، متهمان و محکومان بی گناه؛ جایگاه حقوقی، فرایند عملی»، مجله حقوقی دادگستر، شماره ۸۸.
- شایگان، اسماعیل (۱۳۹۵)، «آیین دادرسی مدنی در پرتو اصول دادرسی»، در: اصول راهبردی دادرسی مدنی، ریموند مارتین، ترجمه اسماعیل شایگان، با مقدمه دکتر عباس کریمی و فیلیپ تری، تهران: نشر میزان.
- شایگان، اسماعیل (۱۳۹۵)، «از دست دادن شانس در رویه دیوان عالی کشور فرانسه»، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، سال شصت و هفتم، شماره پیاپی ۲۳۵.
- صادقی زیازی، حاتم؛ ابراهیمی منش، مهران (۱۳۹۳)، «حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد بین المللی حقوق بشر و حقوق ایران؛ با نگاهی به نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری»، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۱.
- صالحی مازندرانی، محمد (۱۳۸۵)، «نگرشی بر مسئولیت مدنی تصمیم گیرندگان قضایی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷۲.

- صفایی، سید حسین؛ ذاکری‌نیا، حانیه (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی غیر قراردادی»، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۵، شماره ۲.
- صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۳)، *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳)، *الزام‌های خارج از قرارداد (جلد اول) «قواعد عمومی»*، چاپ سیزدهم، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- کریمی، عباس؛ شایگان، اسماعیل (۱۳۹۴)، «مسئولیت انتظامی قضات دادگستری در حقوق فرانسه»، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، دوره جدید شماره ۶۱/۶۲: صص ۴۴۴.
- مارتین، ریموند (۱۳۹۵)، *اصول راهبردی دادرسی مدنی*، ترجمه اسماعیل شایگان، با مقدمه دکتر عباس کریمی و فیلیپ تری، تهران: نشر میزان.
- مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (حقوقی) سال ۹۱ (۱۳۹۳)، تدوین پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی، انتشارات مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۸۰)، «نقد و بررسی قرار بازداشت موقت در قانون دادرسی ۱۳۷۸»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۴.
- نهرینی، فریدون (۱۳۹۳)، *آیین دادرسی مدنی*، جلد اول، تهران: انتشارات گنج دانش.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۴)، «گام‌هایی در طرح مسئولیت مدنی دولت ناشی از فعل شخصی، فعل اشیا و فعل غیر، در حقوق ایران و فرانسه»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۵، شماره ۳.
- یزدانیان، محمدرضا، ۱۳۹۴، «نوآوری‌های قانون جدید آیین دادرسی کیفری در مورد قرار بازداشت موقت: رویکرد تطبیقی»، کارآگاه، سال هشتم، شماره ۳۱.

- Bogaert V.V.R. van, (2007), "La Responsabilité Civile, Pénale et Disciplinaire des Magistrats" (Le Rapport Néerlandais)", *Electronic Journal of Comparative Law*, vol. 11.1.
- Bontemps Carole (2003), *La responsabilité de l'État du fait de la justice en Allemagne*, in *Justice et responsabilité de l'État*, Maryse Deguergue (sous la dir), 1^e édition, PUF, Paris.
- Bouloc, Bernard (2016), *Procédure pénale*, 25e édition, Dalloz.
- Canterini Maia-Kallyste (2003), *La responsabilité de l'État italien du fait du service de la justice*, in *Justice et responsabilité de l'État*, Maryse Deguergue (sous la dir.), PUF, 1^e édition, Paris.
- Franchimont Michel, Jacob Ann, Masset Adrien (2012), *Manuel de procédure pénale*, 4e édition, Bruxelles: édition Larcier.
- Giudicelli André (1998), "L'indemnisation des personnes injustement détenues ou condamnées", *Revue de science criminelle (RSC): ???*
- Heitland horst (2008), "La responsabilité pénale, civile et disciplinaire des juges en Allemagne", in *La responsabilité des magistrats : actes du [6eme] colloque organisé à Limoges le 18 novembre 2005*, Textes réunis par Simone Gaboriau et Hélène Pauliat, Presses universitaires de Limoges.
- Monateri Pier Giuseppe (2003), *Rapport Italien*, Travaux de l'Association Henri Capitant, Tome L, Année 1999. Journées panaméennes de Panama : La responsabilité : aspects nouveaux, Paris.
- Moreno-Catena Victor (2008), *La responsabilité des juges en Espagne*, in *La responsabilité des magistrats : actes du [6eme] colloque organisé à Limoges le 18 novembre 2005*, Textes réunis par Simone Gaboriau et Hélène Pauliat, Presses universitaires de Limoges.
- Noëlle Commaret Dominique (2001), "L'indemnisation de la détention provisoire", *Revue de science criminelle (RSC)*.
- Perrier Camille, Vuille Joëlle (2011), *Procédure pénale suisse*, 2e édition, Bâle: Helbing Lichtenhahn.
- Petit Serge, avril (2015), *Service public de la justice*, in *Répertoire de la responsabilité de puissance publique*: Dalloz.

- Piquerez Gérard; Macaluso Alain (2011), *Procédure pénale suisse*, 3e édition, Schulthess.
- Pradel, Jean (2015), *Procédure pénale*, 18^e édition, Paris: Edition Cujas.
- Sabourault Didier (2003), *La responsabilité du service public de la justice en Belgique*, in Justice et responsabilité de l'État, Maryse Deguergue (sous la dir), PUF, Paris.
- Shayegan, Esmail (2012-2013), *La responsabilité des magistrats professionnels de l'ordre judiciaire*, le mémoire de master II, sous la direction de professeur Georges Wiederkehr, Université de Strasbourg.
- Wessner Pierre (2003), *Rapport suisse*, Travaux de l'Association Henri Capitant, Tome L, Année 1999. Journées panaméennes de Panama : La responsabilité : aspects nouveaux, Paris.

Archive of SID



The Legal System of Compensation for Damage Caused by the Arrest of the Innocent Suspects; a Research on Comparative Law and Iranian Law

Esmail Shaygan¹ – Muhamad Ashouri²
(Received: 7/ 12/ 2016 - Accepted: 7/ 5/ 2017)

Abstract

According to the new Criminal Procedure Code, the government's responsibility is accepted for damage caused by the arrest of the innocent suspect whether the damage is attributable to judge or other persons' fault. The given law, in addition to recognizing the "right" of an injured party concerning the, suffers due to temporary detention, has guaranteed the special procedure in order to implement this right. This legislative measures can be interpreted as a step towards the realization of a fair trial and respect for the presumption of innocence (Article 37 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran). This Anticipated legal system in the new Criminal Procedure has placed the government as a barrier between the injured party and the offender judge. Accordingly, innocent suspect demands the damage caused by the temporary detention from government and the government can refer to the blamable judge after the compensation under the circumstances.

Keywords: Civil Liability, Civil Liability of the Administration, Detention, Judge' fault and error, Fights Reference.

1. Ph.D. Student in Private Law, Universität Panthéon-Assas, Paris, France
(Corresponding Author): es.shayegan@gmail.com

2. Emeritus Professor in Criminal Law and Criminology, University of Tehran, Tehran.